



فضیلت‌گرایی اخلاقی؛ آیا اخلاق اسلامی نظریه‌ای فضیلت‌گراست

اخلاق فضیلت اخلاقی است که تأکید عمده خود را بر منش فضیلت‌مند افراد قرار داده است...

سیری در مکاتب اخلاقی غرب/

فضیلت‌گرایی اخلاقی؛ آیا اخلاق اسلامی نظریه‌ای فضیلت‌گراست

خبرگزاری مهر- اخلاق فضیلت اخلاقی است که تأکید عمده خود را بر منش فضیلت‌مند افراد قرار داده است. بر همین اساس، تلاش می‌کند تا معیار ارزیابی در اعمال اخلاقی را نیز بر اساس منش فاعل اخلاقی تبیین کند. فضیلت‌گرایی در اخلاق نگرشی به اخلاق است که دارای تفاسیر متعددی است. این نگرش، با همه تفاسیرش خود را رقیب غایت‌گرایی و وظیفه‌گرایی می‌داند و بر مفاهیمی محوری مانند $\&171\#171\&$ فضیلت؛ $\&171\#171\&$ منش؛ $\&171\#171\&$ تأکید دارد.

فضیلت‌گرایی در اخلاق دارای سابقه‌ای بس دیرین است. این نگرش، که از تفکرات فلاسفه یونان نشأت گرفته و پس از دوره‌ای افول در غرب دوباره در حال احیا شدن است، تفسیرهای گوناگونی دارد.

فضیلت‌گرایی از جمله نظریه‌های واقع‌گرا در فلسفه اخلاق به شمار می‌رود و از سوی فلاسفه بزرگی همچون سقراط، افلاطون و ارسطو به اشکال مختلف تبیین شده است.

برداشت عصر جدید از اخلاق این است که اخلاق از رفتارهای درست و نادرست سخن می‌گوید. اما اخلاق فضیلت، این نگرش را تغییر داد و پرسش اصلی اخلاق را زندگی خوب و چگونه بودن قرار داده است. همچنین به جای بحث از قواعد، بر مفهوم منش و فضیلت تأکید دارد.

فیلسوفان اخلاق، طرفدار اخلاق فضیلت به دنبال ارائه تفسیری از اخلاق هستند که رقیب سایر نظریه‌های هنجاری در اخلاق باشد.

آنان عموماً نظریه‌های خود را حول نقش اساسی منش و فضیلت و این ادعا که فهم واحدی از اخلاق وجود دارد، طرح می‌کنند. تأکید بر منش، رشد و عواطف این اجازه را به اخلاق فضیلت می‌دهد تا تفسیری از روان‌شناسی اخلاق، که فاقد وظیفه‌گرایی و غایت‌گرایی باشد، ارائه کند.

این گروه معتقدند، اخلاق فضیلت می‌تواند مفاهیم $\&171\#171\&$ وظیفه؛ $\&171\#171\&$ و $\&171\#171\&$ الزام؛ را در حمایت از مفاهیم غنی فضیلتی کنار گذارد. از نظر آنان، احکام فضیلتی احکامی از یک زندگی کامل انسانی هستند تا این‌که احکامی از یک عمل منفک و بریده از وضعیت امور و از عامل اخلاقی باشد.

بر اساس فضیلت‌گرایی، در صورتی رفتاری درست و از نظر اخلاقی پسندیده است که از منش فضیلت‌مند فاعل اخلاقی ناشی شده باشد. اخلاق فضیلت اخلاقی است که تأکید عمده خود را بر منش فضیلت‌مند افراد قرار داده است. بر همین اساس، تلاش می‌کند تا معیار ارزیابی در اعمال اخلاقی را نیز بر اساس منش فاعل اخلاقی تبیین کند.

برخی از محققان ادعا کرده‌اند نظریه $\&171\#171\&$ فضیلت محوری؛ $\&171\#171\&$ در مقابل نظریه $\&171\#171\&$ اخلاق دینی؛ قرار دارد. به بیان دیگر فضیلت محوری را در تعارض با اخلاق دینی می‌بینند.

حتی اگر بپذیریم دیدگاه فضیلت محوری در اخلاق در خاستگاه خویش نظریه‌ای ناسازگار با دین محسوب می‌شود، اما نمی‌توان آن را بر این وصف باقی دانست، چرا که بسیاری از تقریرهای انجام شده از نظریه فضیلت، برخاسته از متن دین‌های بزرگی همچون مسیحیت، یهودیت و اسلام و حاصل تلاش عالمان اخلاق این ادیان است.

در قرون وسطا طرفداران نظریه فضیلت محوری در اخلاق همگی از عالمان مسیحیت بودند. شمار بسیاری از اخلاقیان مسلمان نیز بر نظام فضیلت محوری در اسلام تأکید داشته، آن را ترویج می‌کردند.

از این رو ادعای ناسازگاری مطلق این نظریه با نظام اخلاق دینی به هیچ رو قابل قبول نیست. اگرچه امروزه برخی از حامیان این نظریه که دین‌باور نیستند به سراغ نظام اخلاق فضیلت محور رفته‌اند، با این همه حتی اکنون نیز طرفداران دیندار اخلاق فضیلت کم

نیستند. آنان بر این باورند که نظریه فضیلت محوری را می‌توان از دل متون دینی به دست آورد.

ضمانت و پشتوانه اخلاق فضیلت برخاسته از دین، خود دین است و این مزیتی است که گونه‌های دیگر فضیلت محوری از آن بی‌بهره‌اند و نتیجه آن که فضیلت محوری دست کم در تمام تقریرهایش با اخلاق دینی مورد نظر خویش را بر پایه فضائل و نیل به ملکات نیکو و اجتناب از رذائل بنا می‌کند.

مکتب اخلاقی اسلام نیز اگرچه بر اهمیت فضیلت و لزوم تلاش در جهت کسب آن تأکید فراوان شده است، اما نمی‌توان آنرا یک مکتب فضیلت‌گرایی صرف قلمداد کرد چراکه آموزه‌های دین مبین اسلام با عنایت به امیال و گرایشهای فطری انسانها به هیچ وجه گرایش ذاتی انسان به لذت را نفی کرده است لیکن با معرفی مصداق واقعی این میل درونی، انسانها را به سمت کسب لذت‌های جاویدان و پایدار ترغیب کرده و از این میل در جهت سوق دادن انسانها به سمت فضایل و کمالات انسانی استفاده کرده است.